

دعوی شرکت علیه مدیران شرکت با نمایندگی یک پنجم  
سهامداران  
(نقدی بر دادنامه شعبه ۸۲ دادگاه عمومی تهران)

کوروش کاویانی\*

سعیده امیر تیموری\*\*

۱. وقایع پرونده

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۷۸۲

خواهان: شرکت سهامی ج. با نمایندگی بیش از یک پنجم سهامداران

خوانده: آقای الف. مدیرعامل سابق شرکت و آقای ب.

خواسته: محکومیت الف. به جبران خسارت و محکومیت ب. به خلع ید و پرداخت اجرت‌المثل

مرجع رسیدگی: شعبه ۸۲ دادگاه عمومی تهران

مقدمه

الف) طرح مسئله

ماده ۲۷۶ قانون اصلاح قسمتی از قانون تجارت مقرر می‌دارد:

"شخص یا اشخاصی که مجموع سهام آنها حداقل یک پنجم مجموع

سهام شرکت باشد می‌توانند در صورت تخلف یا تقصیر رئیس و اعضا

هیأت مدیره و یا مدیرعامل به نام و از طرف شرکت و به هزینه خود علیه

\* دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

رئیس یا تمام یا بعضی از اعضا هیأت مدیره و مدیرعامل اقامه دعوی نمایند و جبران کلیه خسارات وارده به شرکت را از آنها مطالبه کنند. در صورت محکومیت رئیس یا هریک از اعضا هیأت مدیره یا مدیرعامل به جبران خسارات شرکت و پرداخت هزینه دادرسی حکم به نفع شرکت اجرا و هزینه‌ای که از طرف اقامه‌کننده دعوی پرداخت شده از مبلغ محکوم به وی مسترد خواهد شد. در صورت محکومیت اقامه‌کنندگان دعوی پرداخت کلیه هزینه‌ها و خسارات به عهده آنان است."

این حکم، حکمی خلاف قاعده و استثنایی است که در راستای حفظ حقوق سهام‌داران در برابر مدیران خاطی وضع شده است. لذا باید حدود اختیار سهام‌داران در اقامه چنین دعوایی به دقت مورد بررسی قرار گیرد. در این راستا، دادنامه صادره از سوی شعبه ۸۲ دادگاه عمومی تهران، صرفاً از جهت نحوه تفسیر ماده مذکور مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد.

### ب) شرح ادعا و خواسته خواهان

- خواهان، یعنی شرکت ج. در زمان حکومت قانون مؤجر و مستأجر سال ۱۳۵۶، ملکی را به‌عنوان محل کسب و پیشه در اجاره خود داشته است،
- ملک مزبور از طریق بیع به مالکیت الف. (مدیرعامل سابق) درآمده اما منافع ملک، کماکان در اختیار شرکت باقی می‌ماند،
- الف. در زمانی که رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل شرکت بوده است، ملک را به ب. یعنی خواننده دوم می‌فروشد اما از منافع ملک نیز که متعلق به شرکت بوده است، بدون اذن شرکت صرف‌نظر نموده و مبادرت به تخلیه و تحویل آن به خواننده دوم می‌نماید،
- به این ترتیب، عمل مدیر سابق، خروج از حدود اختیار بوده و شرکت را متضرر نموده است و تصرف خواننده دوم در ملک نیز تصرف من غیر حق است،
- بنابه مراتب فوق محکومیت مدیرعامل سابق به جبران زیان وارده به شرکت و محکومیت خواننده دوم به خلع ید و پرداخت اجرت‌المثل ایام تصرف خواسته شده است.

### ج) دفاعیات وکیل آقای الف. (مدیر سابق)

- سهام‌داران خواهان در حال حاضر دارای ۵۲٪ سهام شرکت می‌باشند اما در زمان وقوع بیع ادعایی دارای این میزان سهم نبوده‌اند، یعنی اینکه دارا بودن یک پنجم سهام در زمان وقوع تخلف شرط است و نه در زمان تقدیم دادخواست،
- موکل، به عنوان رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل، دارای اختیارات قانونی بوده و در مورخ ... کلیه اختیارات امضای اوراق و اسناد تعهدآور به تنهایی با امضای رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل با مهر شرکت بوده و این امر دلیلی بر صحت معامله است و نیز کلیه وجوه حاصل از فروش و ملک به حساب شرکت واریز شده است،
- برابر ماده ۳۴ اساسنامه شرکت، اختلاف حاصله بین شرکا و شرکت از طریق حکمیت و داوری باید حل و فصل شود. بنابراین اگر حقی برای خواهان‌ها قائل شویم بایستی به داوری مراجعه کنند.

### د) دفاعیات وکیل آقای ب. (خواننده دوم)

به موجب مبیعه‌نامه عادی مورخ ... خواننده اول اعیان و عرصه یک باب مغازه و کارگاه را به موکل و آقای ع. در قبال ثمن منتقل و واگذار نمود که نامبرده اخیر در مرحله بعدی مالکیت سه‌دانگ خود را به موکل انتقال داد. فروشنده یعنی مدیرعامل سابق شرکت ملزم به حضور در دفتر اسناد رسمی و انتقال سند شد ولی به لحاظ اینکه ملک در رهن بانک بوده انتقال رسمی متوقف شد و موکل ۱۵ سال است در ملک متصرف است، پس چرا خواهان‌ها تاکنون اقدام ننموده‌اند؟ به علاوه، با انقضای اجاره‌نامه رسمی و عدم اشمال بر وجود سرقفلی دعوی مطروحه مردود است.

### ه) خلاصه دادنامه

اولاً: ایرادات وکیل خواننده اول وارد نمی‌باشد زیرا، مطابق سند رسمی اجاره صدرالذکر و بنابه حاکمیت قانون روابط مؤجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ و

امتداد تصرف شرکت خواهان در محل تا سال وقوع بیع، منافع موضوع آن متعلق به شرکت بوده و خواننده اول هرچند رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل بوده ولی مبیعه‌نامه و فروش ملک با عنوان شخص حقیقی فروخته شده است، پس اختیارات قانونی و رجوع به داوری و عدم تعلق اکثریت سهام به خواهان‌ها و غیره منتفی و ایرادات مردود است.

ثانیا: فروشنده، مالک ملک بوده و لیکن انتقال منافع و به تصرف دادن محل و منافع که تعلق به شرکت داشته بدون اذن مالک منافع و یا تنفیذ آن، معامله به مال غیر محسوب و با اعلام عدم رضایت مالک، معامله بلااثر است و متعامل متصرف ملک، ضامن است،

ثالثا: نظر به سمت خواننده اول در شرکت به عنوان رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل مطابق ماده ۵۱ قانون تجارت از جهت رابطه امانی، مسئولیت او مانند وکیل در مقابل موکل است و از نظر قواعد حاکم بر مسئولیت قراردادی در مقابل سهام‌داران و اشخاص ذی‌نفع ضامن جبران خسارات می‌باشد و همچنین آنان از آثار تقصیراتی که به‌عنوان شخص مرتکب می‌شوند مصون از مسئولیت‌های خارج از قرارداد نخواهند بود و در پناه عنوان حقوقی از مسئولیت مدنی مبرا نمی‌باشند. بنابراین به استناد ماده ۲۷۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت خواننده اول دارای مسئولیت قراردادی و مدنی در مقابل شرکت است،

رابعا: انتقال منافع و تصرف خواننده دوم در ملک فاقد منشأ ناقل شرعی و قانونی بوده و استیلاء بر حق غیر محسوب است.

در نتیجه با توجه به سند رسمی اجاره مذکور و استمرار رابطه استیجاری شرکت با مالک و حاکمیت قانون روابط مؤجر و مستأجر سال ۱۳۵۶ و مستندا به مواد ۳۰۸ و ۳۱۱ و ۲۵۹ و ۲۳۷ و ۳۳۲ قانون مدنی خوانندگان اول و دوم متضامنا به پرداخت اجرت‌المثل مغازه موضوع اجاره‌نامه از تاریخ ... لغایت ... به مدت ... جمعاً به مبلغ ... ریال در حق شرکت و نیز به پرداخت ... ریال هزینه دادرسی و نیز حق‌الوکاله محکوم می‌باشند و خواننده دوم نیز به خلع ید و رفع تصرف از مغازه و فروشگاه موضوع اجاره‌نامه مذکور و تحویل به شرکت و نیز به پرداخت مبلغ ... ریال هزینه دادرسی و نیز حق‌الوکاله طبق تعرفه در حق شرکت مذکور محکوم است.

## ۲. نقد و بررسی

### ۲.۱. برای طرح دعوی به نمایندگی از شرکت، دارا بودن یک پنجم

#### سهام در چه زمانی ملاک است؟

ماده ۲۷۶ پاسخ صریحی به این پرسش نداده است اما ظاهر این است که دارا بودن یک پنجم سهام در زمان تقدیم دادخواست مورد نظر مقنن است. بنابراین استدلال خوانده مبنی بر اینکه دارا بودن یک پنجم سهام در زمان وقوع تخلف ملاک عمل است، خلاف ظاهر و فاقد دلیل بوده و برداشت دادگاه صحیح است.

### ۲.۲. مالکیت بر یک پنجم سهام، به روش صحیح احراز شده است؟

مفاد دادنامه حاکی از آن است که مالکیت بر یک پنجم سهام از طریق روزنامه رسمی ابرازی از سوی ایشان، احراز شده است:

..... وکلای خواهانها اظهار نمودند مطابق روزنامه

رسمی ضمیمه پرونده خواهانهای نامبرده فوق صاحبان

۵۲٪ از سهام شرکت فوق می باشند .....

در این راستا توجه به سه نکته مهم ضروری است:

اولاً: آگهی نمودن نام و تعداد سهم شرکای شرکت سهامی در روزنامه رسمی، معمول نبوده و قانونا نیز الزامی به این کار نیست<sup>۱</sup>،

ثانیاً: بر فرض وجود نیز دلالت بر مالکیت در زمان تقدیم دادخواست، ندارد زیرا،

چه بسا از تاریخ آگهی تا تاریخ تقدیم دادخواست، نقل و انتقال سهام رخ داده باشد،

ثالثاً: به نظر می رسد که اقرار خوانده به مالکیت سهام داران بر ۵۲٪ سهام

کافی نیست زیرا، در هر حال حکم صادره، شرکت را متأثر ساخته و لازم می آید که دادگاه مالکیت بر سهام را رأساً و بدون تکیه به اقرار خوانده، احراز نماید.

بنابراین، ملاحظه اوراق سهام و یا استعلام از مرجع ثبت شرکتها و یا خود

شرکت و یا تلفیقی از این سه شیوه، برای احراز مالکیت بر یک پنجم سهام در زمان تقدیم دادخواست لازم است.

۱. به هر حال اظهار نظر راجع به اعتبار این آگهی مستلزم رؤیت آن است.

## ۲.۳. آیا یک پنجم سهام‌داران، اختیار اقامه دعوی علیه مدیران

### سابق را نیز دارند؟

ماده ۲۷۶ صراحتی در این زمینه ندارد. ظاهر این است که منظور از مدیران، اشخاصی هستند که هم اینک مدیر شرکت هستند و نه مدیران سابق. توضیح اینکه الفاظ مقنن را باید حمل بر معنای حقیقی نمود حمل آن بر معنای مجازی یعنی مدیران سابق، مستلزم وجود قرینه است. لزوم تفسیر محدود این حکم استثنایی نیز همین نتیجه را تقویت می‌کند. به علاوه به نظر می‌رسد که مراد مقنن از وضع این حکم، گشودن راه برای اقامه دعوی علیه مدیرانی است که هم اینک دارای سمت هستند و طبیعتاً علیه تخلفات خود اقدام قضایی نمی‌کنند و حال آنکه در مورد مدیران سابق چنین پیش‌فرضی وجود منتفی است. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که سهام‌داران، اختیار طرح چنین دعوایی را نداشته‌اند و دادگاه از حدود ماده ۲۷۶ فراتر رفته است.<sup>۱</sup> در دادنامه صادره، دلیل تسری حکم به مدیران سابق توضیح داده نشده است اما می‌توان حدس زد که اطلاق لفظ مدیران مبنای این تفسیر بوده است مع‌ذکب باید توجه داشت که با وجود معنای حقیقی برای لفظ مدیر، نوبت به تمسک به اطلاق لفظ و تسری آن به معنای مجازی نمی‌رسد.

## ۲.۴. آیا یک پنجم سهام‌داران، اختیار اقامه دعوی علیه اشخاص

### ثالث را نیز دارند؟

اگر معتقد باشیم که سهام‌داران اختیار اقامه دعوی علیه مدیران سابق را ندارند، به طریق اولی رسیدگی به ادعای ایشان علیه ثالث یعنی خوانده دوم نیز مردود است. لازم به ذکر است که خوانده دوم از این حکم تجدیدنظرخواهی نموده است و شعبه دوازدهم دادگاه تجدیدنظر آن را نقض نموده است:

"به عقیده این دادگاه، دادنامه معترض‌عنه نسبت به تجدیدنظرخواه مخدوش بوده و قابل تأیید نمی‌باشد زیرا، مطابق مفاد ماده ۲۷۶ قانون

۱. جهت مطالعه تفصیلی نگاه کنید به: سعیده امیرتیموری، دعوی مشتق در حقوق شرکت‌های تجاری؛ مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس، آمریکا، فرانسه و ایران (پایان‌نامه دکترای حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۴) ص ۳۰۱ به بعد.

تجارت، دارندگان حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت منحصر در صورت تخلف یکی از اعضا هیئت مدیره ۱ شرکت می‌توانند از طرف شرکت و با هزینه خود علیه متخلف، مطالبه خسارات وارده به شرکت را بنمایند لیکن اقامه دعوی به نمایندگی از شرکت به طرفیت اشخاص ثالث لزوماً در صلاحیت مدیران شرکت مطابق اساسنامه می‌باشد."

#### ۲.۵. استناد وکیل خوانده اول به وجود شرط دآوری صحیح است؟

بنابه ادعای وکیل خواهان، ماده ۳۴ اساسنامه، حل اختلافات میان شرکت و شرکا را در صلاحیت داور دانسته است. تردیدی نیست که این ادعا ارتباطی به مانحن‌فیه نداشته و تصمیم دادگاه در این زمینه صحیح است زیرا، دعوی حاضر میان شرکت و مدیر سابق است و نه شرکت و شرکا. به عبارت دیگر، شرکا در این دعوی فقط نقش نمایندگی دارند و اصیل در دعوی محسوب نمی‌گردند.

۱. منحصر نمودن اقامه دعوی علیه اعضای هیأت مدیره مغایر با ماده ۲۷۶ است و این ماده صراحتاً مدیرعامل را هم شامل می‌شود.